



Discourse Analysis of Family Ethical Efficiency in the Press (A Case Study of *Khaneh-ye Khoban Magazine*)⁻

Majid Jafarian¹ 

1- Assistant Professor of the Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
m.jafarian@isca.ac.ir




Abstract

A significant portion of human behavior is shaped by moral values rooted in religious teachings or socially derived traditions. If we accept that the family is the most fundamental institution built upon moral values, and that the press serves as a means to evoke these values within families, then it becomes pertinent to ask: based on the content published in *Khaneh-ye Khoban* magazine during the years 2016 to 2021, what discursive formation of ethics, with a view toward family efficiency, can be identified? This qualitative study employs Norman Fairclough's discourse analysis method to examine ten representative samples. The findings indicate that in addition to drawing upon psychological perspectives on ethics, as well as literature, poetry, and frequent references to Qur'anic verses and traditions, the magazine interprets and promotes moral concepts that play a decisive role in the daily lives of spouses. Within this analytical

-Cite this article: Jafarian; M, (2025). Discourse Analysis of Family Ethical Efficiency in the Press (A Case Study of *Khaneh-ye Khoban Magazine*), *Journal in Applied Ethics Studies*, 3(81), 9-50.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71289.2022>

 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:**2025/03/04  **Revised:**2025/05/23  **Accepted:**2025/08/06  **Published online:**2025/12/05

framework, the magazine's aim is to establish an ethical order in the family and to strengthen every moral element that contributes to the development of such an order. Moreover, based on Ralph Potter's theory of moral discourse, this analysis presents a synthesis of a four-part ethical system comprising principles, rules, ideals, and interconnected, reasonable values, which collectively help shape a general perspective on what ought to happen morally within the family context.

Keywords

Discourse analysis, Discourse formulation, ethics, efficiency, family, *Khaneh Khooban* magazine.





تحليل خطاب الكفاءة الأخلاقية للأسرة في الصحافة (دراسة حالة مجلة خانه خوبان)

مجيد جعفریان^۱

۱- أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية، قم - إيران
m.jafarian@isca.ac.ir

ملخص

يتشكل جزء كبير من السلوك البشري من خلال القيم الأخلاقية المتجذرة في التعاليم الدينية أو التقاليد الاجتماعية. إذا سلمنا بأن الأسرة هي المؤسسة الأساسية التي تقوم على القيم الأخلاقية، وأن الصحافة هي أداة لغرس هذه القيم في الأسرة، فمن المناسب أن نتساءل: بناءً على المواد المقدمة في مجلة خانه خوبان، في الفترة من ۲۰۱۶ إلى ۲۰۲۱، أي صيغة خطابية للأخلاق يمكن استخراجها بالنظر إلى كفاءة الأسرة؟ تستخدم هذه الدراسة النوعية منهج تحليل الخطاب لنورمان فيركلوف لدراسة عشر عينات تمثيلية. تشير النتائج إلى أن هذا المنشور، بالإضافة إلى استنادها إلى وجهات نظر نفسية حول الأخلاق والأدب والشعر،

–الاستناد إلى هذه المقالة: جعفریان، مجيد (۲۰۲۵). تحليل خطاب الكفاءة الأخلاقية للأسرة في الصحافة (دراسة حالة مجلة خانه خوبان). دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۳ (۸۱)، صص ۹-۵۰.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71289.2022>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۳/۰۴ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۵/۲۳ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۸/۰۶ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۲/۰۵

واعتماده على الآيات والروايات، يتناول تصميم وتفسير تلك المفاهيم الأخلاقية التي تلعب دوراً حاسماً في الحياة اليومية للأزواج. وفي إطار هذا التحليل، يهدف هذه المجلة إلى إرساء النظام الأخلاقي في الأسرة وتعزيز كل عنصر أخلاقي يساهم في تطوير هذا النظام. كما أن هذا التحليل يعتمد على نظرية الخطاب الأخلاقي لـ رالف بوتر، والتي تقدم توليفة من نظام أخلاقي مكون من أربعة أجزاء تتضمن المبادئ، والقواعد، والمثل العليا، والقيم المتناسكة والمعقولة التي ساعدت في تشكيل نظرة عامة لما يجب أن يحدث أخلاقياً في الأسرة.

الكلمات المفتاحية

تحليل الخطاب، الصياغة الخطابية، الأخلاق، الكفاءة، الأسرة، مجلة خانه خوبان.





تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در مطبوعات (مطالعه موردی: نشریه خانه خوبان)

مجید جعفریان^۱

۱- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

m.jafarian@isca.ac.ir

چکیده

بخش مهمی از رفتارهای انسانی را ارزش‌های اخلاقی متکی به آموزه‌های دینی یا سنت‌های برگرفته از اجتماع شکل می‌دهند. در صورتی که بپذیریم خانواده ابتدایی‌ترین نهادی است که بر ارزش‌های اخلاقی بنا شده و مطبوعات ابزاری برای تداعی این ارزش‌ها در خانواده‌اند، این پرسش قابل طرح است که براساس مطالب ارائه شده در نشریه خانه خوبان، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰، چه صورت‌بندی گفتمانی از اخلاق با نگاه به کارآمدی خانواده قابل استخراج است؟ رویکرد در این پژوهش کیفی بوده و از روش تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف برای بررسی ده نمونه معرف استفاده شده است. یافته‌ها

استناد به این مقاله: جعفریان، مجید (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در مطبوعات (مطالعه موردی: نشریه خانه خوبان). مطالعات اخلاق کاربردی، ۳(۸۱)، صص ۹-۵۰.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71289.2022>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵



نشان می‌دهد این نشریه، افزون بر استفاده از دیدگاه‌های روان‌شناختی اخلاق، ادبیات و شعر و تکیه بر آیات و روایات، به طرح و تفسیر آن دسته از مفاهیم اخلاقی می‌پردازد که در زندگی روزمره همسران نقش تعیین‌کننده دارند. در چهارچوب این تحلیل، هدف نشریه ایجاد نظم اخلاقی در خانواده و تقویت هر عنصر اخلاقی است که موجب توسعه چنین نظامی می‌شود. همچنین، این تحلیل براساس نظریه گفتمان اخلاقی رالف پاتر، ارائه‌دهنده ترکیبی از یک نظام اخلاقی چهارجزئی شامل اصول، قواعد، آرمان‌ها و ارزش‌های هم‌بسته و معقولی است که به شکل‌گیری دیدگاه کلی درباره آنچه در خانواده باید به‌لحاظ اخلاقی اتفاق بیفتد، کمک کرده است.

کلیدواژه‌ها

تحلیل گفتمان، صورت‌بندی گفتمانی، اخلاق، کارآمدی، خانواده، نشریه خانه خوبان.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها برای تقویت خانواده، تأکید بر برجسته‌سازی بنیان‌های اخلاقی از طریق ابزار رسانه بوده است؛ ابزاری که «موجب افزایش سطح آگاهی اعضای خانواده، معرفی الگوهای صحیح رفتاری برای تربیت فرزندان و تقویت باورهای دینی در جامعه شده است» (رشکیانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷)؛ از این رو، تولید مجلات عمومی، ساخت فیلم و سریال و برنامه‌های مناسبی تلویزیونی با موضوع خانواده به‌طور جدی در دستور کار برخی از مؤسسات خصوصی و سازمان‌ها و نهادهای مسئول خانواده قرار گرفت؛ اصلی‌ترین هدف آن‌ها برای استفاده از این ابزار، ساخت و ارائه محتوایی متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی و به‌کارگیری شیوه‌ای غیرمستقیم برای حل مسائل مربوط به خانواده و کارآمد کردن آن در ایران و به‌تبع، پیشگیری از گسست و جدایی خانواده‌ها طی سال‌های اخیر بوده است.

باین حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد مطبوعات عمومی در حوزه خانواده، سهم نسبتاً قابل توجهی در ارائه این محتوا داشته و از این قالب برای ترویج فرهنگ خانواده مطلوب به‌طور جدی‌تری استفاده کرده است. تقریباً بیش از چهل درصد محتوای این سنخ مجلات، اخلاقی است (رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۰-۱۱۱) و بر درست و غلط، خوب و بد و چگونگی زیست اخلاقی در خانواده تأکید کرده‌اند.

مطبوعات می‌توانند به‌نحو بارزی بر افکار و احساسات مردم تأثیر بگذارند و در بیشتر موارد، صحنه‌ها، شخصیت‌ها، حوادث و عبارات و جملات درج یا منعکس شده در مطبوعات به‌صورت زنده و روشن، حتی پس از سال‌ها، به‌عنوان جزئی از خاطره‌ها در یادها باقی می‌مانند. نشریات خانواده، به‌عنوان بخش مهمی از این مطبوعات، این توان را دارند که مخاطبان خود در خانواده‌ها را با طرح ایده‌ها و مطالب اخلاقی به‌میزانی از کارآمدی برسانند که نتیجه اصلی آن، پیشگیری از گسست خانواده باشد؛ از این رو، درک گفتمانی از اخلاقیات به‌کارگرفته شده در این نشریات، علاوه بر دست‌یافتن به موضع‌گیری‌ها و تعیین مرزبندی‌ها در مواجهه با ایده کاربست اخلاق در خانواده، می‌تواند در برون‌رفت از





معضلاتی که گریبان گیر خانواده شده است نیز راهبر باشد. پژوهش حاضر، با رویکردی کیفی از نوع تحلیل گفتمان، در پی بررسی این مسئله است که نشریه *خانه خوبان*، به عنوان یکی از نشریات خانواده، چه صورت‌بندی گفتمانی از اخلاق با نگاه به کارآمدی خانواده ارائه می‌دهد؟

در اینجا طرح دو نکته لازم است: نکته اول، آنچه از اخلاق در این نوشتار مدنظر است، مباحث اخلاق نظری و اخلاق عملی و به‌طور کلی، اخلاق هنجاری نیست؛ چرا که «در اخلاق نظری، از پسند و ناپسند بودن صفات و افعالی بحث می‌شود که ذیل علم اخلاق است و فلسفه اخلاق نیز به بررسی مبانی نظری موضوعات اخلاقی» (حیاتی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹) می‌پردازد، در حالی که در نگاه جامعه‌شناختی گفتمانی به اخلاق، رابطه زبان و اخلاق، اخلاق و قدرت و اخلاق و ایدئولوژی، موضوع نسبتاً مهم و مستقلاً تلقی می‌شود که به درک و شناخت زبان اخلاقی موجود در یک میدان منجر می‌شود. بنابراین، در رویکرد گفتمانی، اخلاق ماهیتاً مورد نظر نیست، بلکه کنش و کردارهای اخلاقی در جامعه مطالعه می‌شود (Brunkhorst et al., 2017, p. 133-142).

نکته دوم، تحلیل گفتمان اخلاقی، دو کارکرد اساسی در این پژوهش به همراه دارد؛ کارکرد نخست، نشان دادن مسیرهای نفوذ اخلاق به درون لایه‌های خانواده و ورود نوعی نظم اخلاقی به آن و درونی کردن ارزش‌ها در اعضاست. در صورتی که گفتمان‌های اخلاقی وجود نداشته باشند، هویت اعضا در ارتباط با وظایفشان و تعلقاتی که به ایجاد خانواده مطلوب دارند، تأمین و تضمین نمی‌شود.

علاوه بر این، گفتمان‌های اخلاقی به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در خانواده کمک می‌کنند و نسبت به دیگر گفتمان‌ها نظیر گفتمان‌های فمینیستی، لیبرال و فردگرایانه برای رساندن اعضا به مسیر رشد و شکوفایی، بُرد بیشتری دارند. کارکرد دوم این است که گفتمان اخلاقی دربردارنده مفاهیمی همچون عدالت، تعهدات اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حقوق بین‌فردی، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی است. این مفاهیم که شکل‌دهنده



کنش‌های اخلاقی انسانی هستند، بر پایه اصل «خیر عمومی»^۱ مفصل‌بندی می‌شوند. اصل خیر عمومی نشان‌دهنده این است که اخلاق براساس چه ایدئولوژی و سیاستی می‌تواند به کارآمدی خانواده کمک کند.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه مطالعات مربوط به گفتمان و خانواده در ایران نشان می‌دهد دست کم در خصوص تحلیل گفتمان اخلاقی با تکیه بر مجلات، پژوهشی در ایران انجام نشده است؛ همچنین، در خصوص گفتمان و مسئله کارآمدی خانواده نیز کاری صورت نگرفته است. باین حال، پژوهش‌هایی که در حوزه خانواده با رویکرد و روش تحلیل گفتمان انجام شده، بیش از هر چیز به منظور بساخت گفتمان‌های موجود در این نهاد بوده است.

صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۱) در مقاله «وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران» به دنبال بساخت کردن الگوهای برآمده از نگاه گفتمانی خاص در خانواده، به بازنمایی دو الگوی خانواده مدرن مدنی و ایرانی اسلامی که محصول دو طیف غالب از نظریه‌پردازی‌های مطالعات اجتماعی خانواده در ایران هستند، پرداخته‌اند.

کرمی قهی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده» به تحلیل گفتمان برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه در خصوص خانواده پرداخته و نشان می‌دهد با اینکه گفتمان اصلاح طلب با تکیه بر نشانه‌هایی همچون اصلاحات و توسعه و جامعه مدنی، به دنبال توسعه جنسیتی بوده، گفتمان اصول‌گرا بر قانون اساسی، توسعه اقتصادی، عدالت، ارزش‌های دینی و اخلاقی و استقلال تأکید کرده و نظریه‌پردازی بومی را در حوزه مسائل زنان و خانواده با رویکرد خانواده‌گرایی در دستور

1. The Common Good.



کار داشته است. بشیر و اسکندری (۱۳۹۲) در مقاله «بازنمایی خانواده در فیلم سینمایی "یه جبهه قند"» تحلیل کرده‌اند که کارگردان با برشمردن تأثیر عناصر مثبت تجدد و سنت بر خانواده ایرانی، نگاه‌های صرفاً انتقادی به این دو مقوله را رد کرده و در نهایت، آرمانی‌ترین شکل خانواده را همراهی عناصر مثبت سنت و مدرنیته معرفی می‌کند.

عرفان‌منش (۱۳۹۴) در مقاله «بازنمایی و تحلیل الگوی خانواده اسلامی ایرانی در گفتمان انقلاب اسلامی» براساس مدل تحلیلی ترکیبی فرکلاف، لاکلاو و موفه، به این نتیجه دست یافته است که الگوی خانواده اسلامی ایرانی بر محور مفاهیم «عدالت محوری»، «اصالت فرد و جمع»، «ارزش‌های اسلامی» و «فرهنگ ایرانی» مفصل‌بندی شده و دال مرکزی آن «اسلام و فرهنگ ایرانی» است که به نظر او این الگو با ارکان هویتی جامعه ایران سازگار بوده و تناسب دارد. ساروخانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی» با تأکید بر مناسبات همسرگزینی به بازخوانی و طبقه‌بندی متون برآمده از مصاحبه‌های عمیق با دختران شهر قم پرداخته و با تکیه بر نظریه گفتمانی و نظریه سازه‌گرایی اجتماعی دیوید چیل، الگوهای پنج‌گانه را که محصول گفتمان‌های متناظر با آن‌ها در جامعه کنونی ایران است، بازنمایی کرده است. رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بازنمایی گفتمان‌های خانواده در مجلات عامه‌پسند ایرانی» نشان می‌دهند مؤلفه‌ها و عناصر گفتمان خانواده‌گرا که با محوریت جمع‌گرایی و دال مرکزی سازش در فضای نظری کشور صورت‌بندی می‌گردد، در مجلات عامه‌پسند به صورت پررنگ‌تری وجود دارد و در مقابل، عناصر و مؤلفه‌های گفتمان فمینیستی با محوریت فردگرایی و دال مرکزی «حقوق»، حضور کم‌رنگ‌تری در مطالب این مجلات دارد.

از میان پژوهش‌های خارجی، کارل اشنایدر^۱ (۱۹۸۵م)، در مقاله «گفتمان اخلاقی و تغییر حقوق خانواده در آمریکا» معتقد است تحولاتی که در «حقوق خانواده» در آمریکا

1. Carl E. Schneider.



رخ داده، از نظر گفتمان اخلاقی موجب افول «قانون در خانواده» شده است. شنایدر با تمرکز بر مسئله سقط جنین، سنت قانونی عدم مداخله در امور خانواده، ایدئولوژی فردگرایی لیبرال، تغییر باورهای اخلاقی و ظهور ایده‌ای به نام انسان روان‌شناختی را چهار عامل تغییر در گفتمان اخلاقی در آمریکا می‌داند.

نانسی رولینز آهلندر^۱ و کاتلین اسلاو باهر^۲ (۱۹۹۵م) در مقاله «فرا تر از سخت‌گیری، قدرت و برابری: به سوی گفتمانی گسترده درباره ابعاد اخلاقی کار-خانه در خانواده‌ها» بر این باورند که در خصوص ابعاد اخلاقی کار-خانه یا به عبارت دیگر، «اشتغال زنان در بیرون از خانه» که از بافت خانوادگی و روابط اساسی زوجین ناشی می‌شود، نظریه پردازی جدی صورت نگرفته است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند کار-خانه را به عنوان یک مسئله جدی در خانواده و البته بر مبنای «تعهد اخلاقی» می‌توان مجدداً مفهوم‌سازی و درباره آن نظریه پردازی کرد.

لورا سانچز^۳ (۱۹۹۶م) در مقاله «فمینیسم، کار-خانواده و گفتمان اخلاقی: دیدگاهی فرا تر از سخت‌گیری و قدرت و برابری» به نقد دیدگاه‌های آهلندر و باهر پرداخته و معتقد است برخی از کمک‌های اساسی که پژوهش‌های فمینیستی می‌توانند به نظریه کار-خانه بکنند و آهلندر و باهر نادیده گرفته یا بد فهمیده‌اند، مجدداً باید مورد مطالعه قرار گیرند؛ همچنین، وی واژه اخلاق را که آهلندر و باهر بر مبنای تعهد اخلاقی مفهوم‌سازی کرده‌اند، زیر سؤال برده و توضیح می‌دهد که چگونه پژوهش‌های فمینیستی مسیر متفاوت با آنچه آن‌ها برای تحلیل گفتمان اخلاقی کار-خانه به کار می‌برند، به دست می‌دهند. پانل پاملا رایلی^۴ و گری کیگرا^۵ (۱۹۹۹م) در مقاله «گفتمان اخلاقی درباره کار-خانه: جنسیت، قدرت و هویت در خانواده‌ها» با تکیه بر پژوهش‌هایی که با تمرکز بر معانی اخلاقی به روابط کار-خانه در خانواده‌ها پرداخته‌اند، می‌کوشند نشان دهند بررسی مفاهیم مهم‌تر

- 1.N. R. Ahlander.
- 2.K. S. Bahr.
- 3.Laura Sanchez.
- 4.Pamela J. Riley.
- 5.Gary Kiger.



بین فردی، متقابل و عرفی نظیر عشق و مسئولیت که معانی اخلاقی را به همراه دارند و می‌توان آن‌ها را در مطالعه کار-خانه به کار گرفت، بسیار مهم بوده که پیش از این درباره آن‌ها غفلت شده است. در نهایت، آلن آکسفلد^۱ (۲۰۱۵م) در کتاب *گفتمان اخلاقی*، کنش *اخلاقی و خانواده روستایی در چین مدرن*، به دگرگونی‌ها و تداوم در گفتمان‌های اخلاقی و اعمالی می‌پردازد که به‌عنوان بنیانی برای خانواده‌های روستایی چینی، به‌ویژه آینده «تعهد اخلاقی» در خانواده، قلمداد می‌شود. آکسفلد در بررسی گفتمان‌ها و شیوه‌های اخلاقی در خانواده‌های روستایی چینی به نقش روابط بین‌نسلی، برگزاری مراسم سوگ و گرامیداشت یاد اجداد و گذشتگان و مبادله غذا در خانواده‌ها به‌عنوان نمادی برای بیان تعهد اخلاقی پرداخته است.

همان‌طور که مشخص است، در بین دسته نخست پژوهش‌هایی که به زبان فارسی انجام شده، پژوهشی که به مطالعه گفتمان اخلاقی ناظر به کارآمدی خانواده بپردازد، وجود ندارد. شاید دلیل اصلی، نبود ادبیاتی با عنوان گفتمان اخلاقی در ایران است.

در پژوهش‌های غیرایرانی، آنچه به‌عنوان پیشینه احصا شده، حاکی از دو نکته اساسی است: (۱) گستردگی پژوهش‌ها آن‌هم به روش تحلیل گفتمان و گاهی به روش اسنادی و مطالعات موردی توانسته معنایی نسبتاً عمومی از گفتمان اخلاقی در اذهان ایجاد کند. علاوه بر این، در این مسیر، دیدگاه‌هایی نقد شده که توانسته پایه‌های اصلی چنین رویکردی را آن‌هم در عرصه خانواده تقویت کند. این رویه نه تنها پژوهشگر را در عرصه مخاطراتی که حوزه روش‌شناختی او را تهدید می‌کند، قرار نمی‌دهد، بلکه موجب گستردگی معنایی در مفهوم، رویکرد یا اصطلاحاتی می‌شود که عملاً در یک حوزه مطالعاتی وجود نداشته یا کم‌رنگ بوده‌اند. این شیوه و کارسازی آن در پژوهش‌های ناظر به خانواده و اخلاق می‌تواند در آینده مفید باشد؛ (۲) در این پژوهش‌ها، گفتمان اخلاقی یا شیوه و روشی برای تحلیل مؤلفه‌های ناظر به خانواده بوده یا به‌دنبال کشف عناصر و مؤلفه‌هایی است که در

1. Ellen Oxfeld.



نهایت به شکل گیری نوعی گفتمان اخلاقی در خانواده منجر شده است. در حقیقت، هر دو شیوه در این پژوهش ها حاکی از نوعی پذیرش انعطاف و سامان بخشیدن به نظریه های جدید در نگاه گفتمانی به اخلاق است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش های انجام شده، کشف و برساخت گفتمان اخلاقی با تمرکز بر محتویات اخلاقی ناظر به تقویت کارآمدی خانواده در مجله خانه خوبان است؛ از این رو، پیش فرض سازی از گفتمان های برساخت شده پژوهشگران دیگر نمی تواند به صورت بندی ما در کشف و برساخت گفتمان اخلاقی کمک کند.

۱. مبانی نظری

به نظر می رسد آنچه در رویکردهای گفتمانی مهم بوده و بسیاری به سمت آن رفته اند، تمرکز بر یک نظریه اجتماعی مسلط است که علاوه بر دربرگرفتن تحلیل های فلسفی، ما را به نتیجه ای قابل مقایسه و حتی برتر در ارائه مدلی بهتر از گفتمان اخلاقی برساند. این برتری را می توان با تحلیل دقیق نقشی که نظریه اجتماعی در فرایند کلی توجیه یک گفتمان اخلاقی ایفا می کند، نشان داد. رالف پاتر^۱، اخلاق شناس معروف، چند دهه پیش در آثارش به این نظریه اجتماعی اشاره کرده است. اگرچه رنگ و بوی رویکردی که پاتر آن را مطرح می کند، فلسفی است، اهمیت نظریه اجتماعی را در مدل ارائه شده نشان می دهد. کار پاتر، دو هدف متضاد را دنبال می کند که هر دوی آنها برای گفتمان اخلاقی ضروری هستند و هیچ کدام را نمی توان نادیده گرفت؛ نخستین هدف، تمایل او به روشی قوی، منطقی و علمی برای تحلیل اخلاقی است که در «پیدا کردن منابع اختلاف و آشکار ساختن آنها به وضوح» قدرتمند است. هدف دیگر این است که «اخلاق باید وسیله ای مؤثر برای هدایت رفتار و آشتی دادن تعارض ها باشد» (Potter, 1972, p. 114). برای تحقق این هدف، به روشی جامع برای درک عناصر مهم در استدلال درباره احکام اخلاقی واقعی نیاز است.

1. Ralph Potter



این نکته در رویکرد نظام مند چهاربُعدی پاتر (استدلال اخلاقی^۱، الهیاتی^۲، بُعد تجربی^۳، وفاداری^۴) کاملاً مشهود است.

بُعد اول: «شیوه استدلال اخلاقی» است که به محکم یا خوب بودن یک تصمیم خاص اشاره دارد. پاتر در این باره معتقد است: «همان‌طور که بین استدلال خوب و بد درباره مسائل واقعی تفاوت وجود دارد، بین استدلال اخلاقی معتبر و نامعتبر نیز همین تفاوت قابل مشاهده است» (Rawls, 1951, p. 573). پاتر، برای نشان دادن عناصر اصلی در شیوه استدلال اخلاقی به چهار سطح از گفتمان اخلاقی آیکن^۵ که ناظر به عناصر اصلی در استدلال اخلاقی است، اشاره کرده و از آن پیروی می‌کند:

سطح اول: گفتمان اخلاقی، تداعی کننده معنای اخلاقی است؛ به این معنا که متن، گفتار، مصاحبه، داستان و... به گونه‌ای به کار برده می‌شوند که تداعی کننده یک معنای خاص اخلاقی است و برگرفته از جو عمومی حاکم یا برخلاف هنجارهای اجتماعی حاکم نیست. در حقیقت، این گفتار اخلاقی، اگرچه تداعی کننده معنای اخلاقی در جامعه است، ارائه‌دهنده یا پیشنهاددهنده یک قانون یا قاعده خاص اخلاقی برای جامعه یا طبقه خاصی از جامعه نیست.

سطح دوم: گفتمان اخلاقی ناظر به استدلال اخلاقی و بیان کننده «قواعد اخلاقی» است. به عقیده آیکن، «این اولین سطحی است که براساس آن سؤالات مطرح و از نظر اخلاقی، پاسخ‌های جدی به آن‌ها داده می‌شود. در این سطح، دو شرط برای توجیه قواعد اخلاقی وجود دارد: الف) ارزیابی واقعی ابزارها و پیامدهای مربوط به این قواعد؛ ب) قواعد یا رویه‌هایی که به تنهایی ارتباط اخلاقی چنین ارزیابی‌هایی را می‌توان در رابطه با آن‌ها تعیین کرد» (Aiken, 1962, p. 70).

1.moral reasoning.
2.theological.
3.empirical.
4.loyalties.
5.Henry David Aiken.



سطح سوم: گفتمان اخلاقی در پیوند با اصول کلی اخلاقی شامل نظریهٔ هنجاری یا استدلال هنجاری دربارهٔ قوانین و نهادهاست. در همین راستا، پاتر بر این باور است که «منابع عمدهٔ استدلال اخلاقی به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: الف) دستورات وحیانی-آمرانه^۱ یا الهی قوانین یا سیاست‌های اخلاقی به این دلیل موجه هستند که خدادادی هستند یا به خلق برگزیده خدا کمک می‌کنند؛ ب) قاعده یا قانون‌شناختی^۲ قوانین یا سیاست‌های اخلاقی با توسل به قواعد معقول رفتار درست مشروعیت می‌یابند؛ ج) موقعیت یا کنش‌شناختی-فایده‌گرا، به این معنا که کنش‌های خاص، زمانی توجیه می‌شوند که با حس اخلاقی شهودی در یک موقعیت خاص مطابقت داشته باشند؛ د) غایت‌شناختی، به این معنا که سیاست‌ها در صورتی توجیه می‌شوند که به نتایج خوبی ختم شوند (Potter, 1968, p. 368).

سطح چهارم: این سطح را می‌توان سطح زمینهٔ معنا یا سطح کلامی نامید. همان‌طور که پاتر توضیح می‌دهد، «حتی زمانی که مقوله‌های اخلاقی با دقت فلسفی توضیح داده شده‌اند، ممکن است کسی بپرسد چرا باید اخلاقی باشم؟ یا چرا باید بیان قضاوت اخلاقی و الگوی استدلال اخلاقی شما را قانع‌کننده بدانم؟ بنابراین، پرسش‌هایی که فرد مطرح می‌کند، او را در نهایت به تفکر در بنیادی‌ترین ایده‌های خود دربارهٔ خدا، انسان، تاریخ و هر آنچه در پس آن است، سوق داده و او را به فراتر از تاریخ موجود می‌برد» (Potter, 1968, p. 404-405).

بعد دوم: منظور از این بعد، زمینه‌های الهیاتی است که به سه صورت درک می‌شوند؛ نخست، در معنای عام که باید توجه داشت چندین فرض یا سؤال وجودی به‌طور منطقی ناشی از تفکر اخلاقی است؛ خاستگاه آن خواه چهارچوبی دینی باشد خواه غیردینی. دوم، اخلاق مستلزم محتوایی از تعهد و راهی برای رسیدگی به اختلاف بین اقتدار الزامات اخلاقی و خواسته‌های قدرت‌های دنیوی است.

1.Revelational-authoritativ.
2.Regular or rule-deontological.



در این صورت، پرسش‌هایی که در ساحت وجودی معنا مطرح می‌شود با مفاهیمی همچون عشق، عدالت و پرسش مرتبط است. سوم، اخلاق منبع قدرت و انگیزه است. در این صورت این سؤالات وجود خواهد داشت که: چگونه می‌توانم آنچه بر من واجب است، اراده کنم؟ ما باید از چه چیز نجات پیدا کنیم؟ و به چه نوع خوبی می‌توانیم امیدوار باشیم؟ بدون تردید، قدرت و نیرویی که محرک خوبی‌هاست در مواجهه با تضاد، تغییر و امید مؤثر می‌شود. به تعبیر پاتر، «هیچ بخشی از پارادایم الهیات، مهم‌تر از بخشی نیست که به آموزه‌های دینی می‌پردازد. مفهوم مأموریت کلیسا خود از درک آنچه خدا در جهان از طریق خلقت و حکومت مشیتی خود انجام می‌دهد، مکاشفه خاص او در عیسی مسیح و شهادت او از طریق روح القدس سرچشمه می‌گیرد» (Potter, 1965, p. 422).

بعد سوم: شناخت موقعیت یا بُعد تجربی شرایط است که در توجیه حکم اخلاقی به کار می‌آید. بدون تردید، یکی از سردرگمی‌ها در گفتار معمولی ما این است که به «واقعیت‌ها» یا «تعریف موقعیت» به گونه‌ای اشاره می‌کنیم که گویی این‌ها مجموعه‌ای ساده و همگن از ادراک هستند، درحالی‌که این‌گونه نیست و ما نمی‌توانیم در حال یادگیری برای شیوه استدلال اخلاقی، آن‌ها را در سطوح منطقی از یکدیگر متمایز کنیم؛ در نتیجه، بُعد تجربی برای فرد اخلاقی، غیر متمایز و مبهم و غیر قابل مدیریت به نظر می‌رسد؛ اگرچه برخی برای شناخت حقایق و داشتن تعریفی درست از وضعیت موجود به دنبال پذیرش شهودی و قلبی این دست از حقایق‌اند.

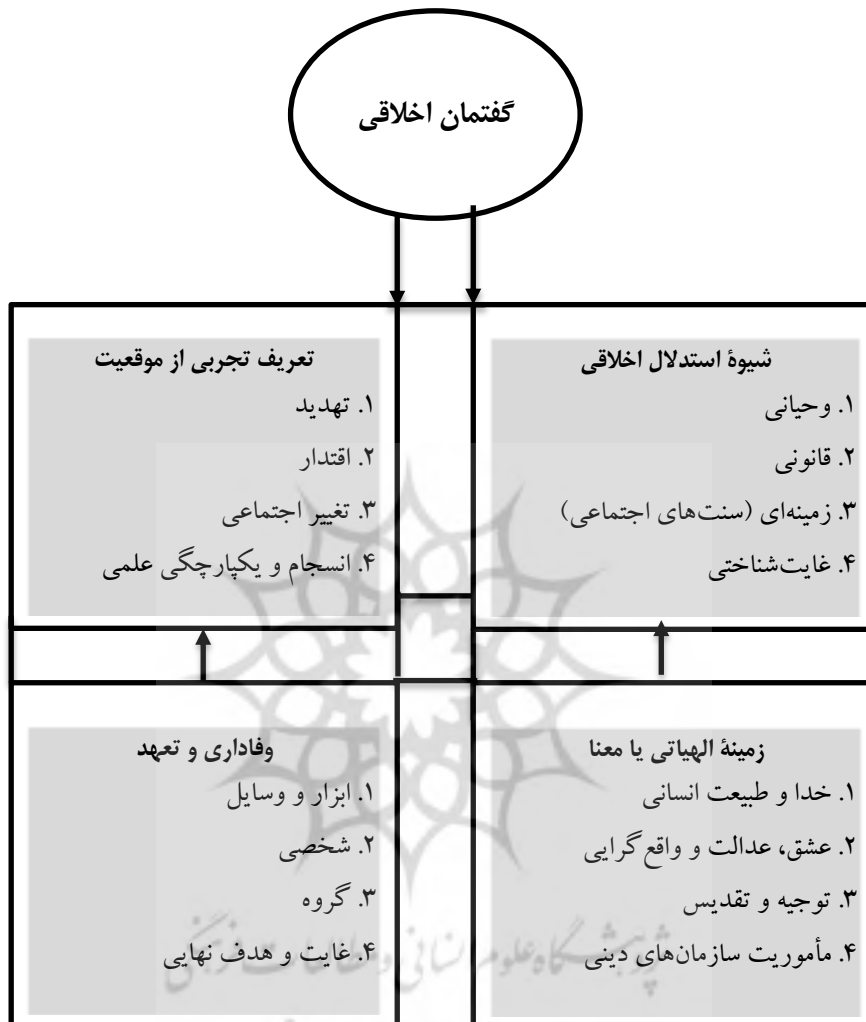
با این حال در سطح اول، تعریف موقعیت، ترکیبی از قضاوت‌های خاص درباره «واقعیت‌ها» به همراه پیش‌بینی‌هایی در مورد نتیجه اقدامات جایگزین است. این سطح اساساً بر سطح دوم یعنی قوانین منتخب، ترکیب و تفسیر حقایق و روندها در دوره‌های زمانی کوتاه، میانی یا بلندمدت مبتنا یافته است. مجموعه این قوانین، یک مدل تحقیق یا الگوی ادراک را تشکیل می‌دهند (Deiitsch, 1971, p. 20).



بعد چهارم: گفتمان اخلاقی در خدمت توجیه منطق ارزش یعنی تعهد و وفاداری است. پاتر در تعریف منطق ارزش به مقاله نیبور^۱ درباره «کانون ارزش» اشاره می‌کند. به عقیده پاتر، «نیبور کانون ارزش را علاقه، درجه اهمیت یک چیز، غایت وفاداری و آزمون نهایی می‌داند. در این صورت، هدف می‌تواند یک خط‌مشی خاص، مجموعه خاصی از باورهای تجربی، نظامی از مفاهیم الهیاتی، یک شخص [یا شخصیت اخلاقی]، یک شیوه رفتار معین، یک گروه، ساختار یک جامعه یا یک نظم ایدئالی در یک طبقه اجتماعی باشد» (Potter, 1968, p. 320). در پایین‌ترین سطح، ممکن است فرد به ابزاری مانند پول یا مهارت شدیداً گرایش نشان دهد که برای دستیابی به اهداف مفید بوده و در بالاترین سطح، برای هدف یا شخص دیگری که می‌خواهد شخصاً به او وابسته شود، ارزش زیادی قائل است و اتفاقاً برایش سرمایه‌گذاری گسترده‌ای می‌کند. باین حال، پاتر بر سطح سومی - یعنی «تحلیل‌های اخلاقی درباره تعهد و وفاداری فرد به گروهی که به آن تعلق دارد» (Potter, 1965, p. 205) - تمرکز می‌کند و این متداول‌ترین ارزشی است که ممکن است در یک جامعه رواج داشته باشد.

1. Richard Niebuhr.

شکل (۱). مؤلفه‌های گفتمان اخلاقی در مدل رالف پاتر



آنچه در اینجا اهمیت دارد، استفاده از نگاه رالف پاتر با توجه به مؤلفه‌های چهارگانه گفتمان اخلاقی در یک متن خاص (محتوای مجله خانۀ خوبان) برای پاسخ‌دادن به مسئله پژوهش است؛ از این رو، تکیه بر این مؤلفه‌ها عملاً برای کشف و سازمان‌دهی عناصری خواهد بود که نقش جدی در برساخت گفتمان اخلاقی متون انتخابی مجله داشته‌اند و تحلیل اخلاقی در آن‌ها کاملاً مشهود است.



۲. روش پژوهش

رویکرد در این پژوهش کیفی است و از روش سه سطحی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف استفاده شده است. با توجه به این روش، مطالب اخلاقی نشریه خانه خوبان در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل شده‌اند. در مرحله توصیف از عناصری برای استخراج اطلاعات استفاده شده است (جدول ۱). در مرحله تفسیر، ظاهر و معنای کلام و انسجام موضوعی متن بررسی شده و در مرحله تبیین، براساس نظریه رالف پاتر، متن‌ها با توجه به اطلاعات به دست آمده از مراحل توصیف و تفسیر در پاسخ به پرسش از چیستی صورت‌بندی گفتمان اخلاقی (اجزای نظام گفتمانی، مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی آن و راه‌حل‌ها) در نشریه خانه خوبان، با نگاه به کارآمدی خانواده تحلیل شده‌اند.

جدول (۱). الگوی تلفیقی پژوهش برای تحلیل متن

معنای محوری متن	منظور همان اپیزود معنایی اصلی و مفهوم اساسی متن است که پس از مطالعه متن در ذهن خواننده باقی می‌ماند.
پیش فرض‌های اخلاقی	پیش فرض‌ها و فرض نهفته در هر متن، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده را شکل می‌دهد؛ پس محقق با شناخت پیش فرض‌ها می‌تواند به اهداف واقعی و لایه‌های زیرین متن پی ببرد (فرقانی، ۱۳۹۷، ص ۵۲).
واژگان مثبت و منفی اخلاقی	شناخت واژگان مثبت و منفی هر متن به تحلیل متن و اهداف و زمینه‌های آن کمک کرده، مقصود نویسنده را برای استفاده از واژگان روشن می‌سازد.
کنایه	نوعی بیان غیرمستقیم است. کنایه به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی نزدیک و دور باشد؛ بنابراین، اگر گوینده جمله‌ای را چنان به کار برد که

<p>ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد، از کنایه استفاده کرده است (همایی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۵).</p>	
<p>به نظر فرکلاف، جنبه‌های تجربه را می‌توان برحسب هر تعداد استعاره بازنمایی کرد. استعاره‌های مختلف بارهای ایدئولوژیک متفاوتی دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳).</p>	<p>استعاره</p>
<p>ایده‌ها معمولاً به حمایت نیاز دارند. در بسیاری از متون برای توجیه و مشروعیت بخشی از استناد به افراد و شخصیت‌های محبوب استفاده می‌شود (فرقانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵). در الگوی رالف پاتر، این استنادها به چهار منبع وحیانی، قانونی، زمینه‌ای و غایت‌شناختی محدود شده است. کشف و بحث از این منابع در متون رسانه‌ای، شناخت گفتمان‌های اخلاقی و میزان مشروعیت بخش بودن را نشان می‌دهد.</p>	<p>استادات</p>
<p>بررسی مفاهیم اخلاقی برای تقویت خانواده از منظر تحلیل گفتمان مهم است؛ زیرا نحوه صورت‌بندی گفتمان اخلاقی را در حوزه کارآمدی براساس متون متفاوت نشان داده و بازنمایی مشابهی از این مسئله وجود ندارد. تعیین اینکه متن چه مفاهیمی را برای تعریف مسائل اخلاقی در حوزه خانواده در قالب یک نظریه اجتماعی از اخلاق مطرح می‌کند، مهم‌ترین گام برای ارائه صورت‌بندی از تحلیل گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده است.</p>	<p>مفاهیم اخلاقی مسئله کارآمدی</p>
<p>راه‌حل‌های مختلفی که متون رسانه‌ای برای مسئله کارآمدی خانواده با رویکرد اخلاقی ارائه می‌دهند، اینکه متن چه معیارهای اخلاقی، قواعد و اصول اخلاقی، فضایل اخلاقی و قضاوت‌های اخلاقی را در قالب راه‌حل ارائه می‌کند، نکته مهمی است که به فرایند تحلیل گفتمان اخلاقی آن یاری می‌رساند.</p>	<p>راه‌حل‌ها</p>





جامعه آماری پژوهش، تمام شماره‌های نشریه خانه خوبان از آغاز سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۴۰۰ می‌باشد (این نشریه به صورت ماهنامه منتشر می‌شود).

دلیل انتخاب این دوره، شواهد تجربی است که نشان می‌دهد دغدغه اصلی حاکمیت در دهه ۱۳۹۰ بیش از هر دهه دیگری به راهکارهای برون‌رفت از آشفتگی و فروپاشی خانواده، پیشگیری از طلاق و تعارضات زناشویی، افزایش جمعیت، توجه به کارکردهای خانواده بر پایه تقویت نقش زنان در خانه و خانه‌داری و تقویت خانواده با تکیه بر رشد تربیت اخلاقی معطوف بوده که بخشی از این دغدغه را از طریق رسانه‌های مکتوب پیگیری کرده است.

برای شناسایی نمونه‌ها نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند غیرتصادفی استفاده شده است. در این روش نمونه‌گیری، «پژوهشگر از بین مجموعه‌ای که در اختیار اوست، نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که بیشترین سازگاری را با اهداف پژوهش دارند» (فرانکفود و نچمیاس، ۱۳۸۱، ص ۲۴۶)؛ بنابراین، در مرحله اول، پس از تورق دقیق متون مربوط به شماره‌های مجله خانه خوبان، ۸۷ مورد که به‌طور مستقیم یا ضمنی به طرح موضوعات اخلاقی ناظر به کارآمدی خانواده پرداخته بودند، به‌عنوان «نمونه منتخب» مشخص شدند.

در گام دوم، با در نظر گرفتن مسئله پژوهش و برخی از مؤلفه‌های گفتمان اخلاقی پاتر و حذف نمونه‌های تکراری در موضوع و نویسنده، ده نمونه به‌عنوان نمونه‌های معرف انتخاب گردید. در گام سوم، جدول توصیفی هر نمونه شامل معانی محوری حاصل از آن به تفکیک بیان شده و در ادامه، مراحل مربوط به تفسیر و تبیین آن نیز انجام شده است (جدول ۲).

جدول (۲). نمونه‌های معرف از نشریه خانه خوبان

ردیف	عنوان	نویسنده	شماره/ صفحه	تاریخ
۱	ویژگی‌های شوهر خوب	مجتبی حیدری	ش ۸۶/ ص ۶۲-۶۳	۱۳۹۵/۱/۳۱
۲	لاک خودپرستی	علی محمد صالحی	ش ۸۷/ ص ۵۰-۵۱	۱۳۹۵/۲/۳۱
۳	خیره به آینه	مهدی عباسی	ش ۱۰۰/ ص ۶۷-۶۸	۱۳۹۶/۰۴/۳۱
۴	چه همسر خوبی دارید!	نجیب الله نوری	ش ۱۰۵/ ص ۲۷-۲۸	۱۳۹۶/۹/۳۰
۵	زن غرغرو، مرد موجه	محمد رضا جهانگیرزاده	ش ۱۰۶/ ص ۲۲-۲۳	۱۳۹۶/۱۰/۳۰
۶	کوه کاهی	علی صادقی سرشت	ش ۱۱۱/ ص ۲۸-۲۹	۱۳۹۷/۰۳/۳۱
۷	سین مثل سپاس‌گزاری	رحمت پوریزدی	ش ۱۱۴/ ص ۲۶-۲۷	۱۳۹۷/۰۶/۳۱
۸	سرزنش‌ها و سرزنش‌ها	زهرا کاردانی	ش ۱۱۶/ ص ۲۴-۲۵	۱۳۹۷/۰۸/۳۰
۹	رسم خانواده‌داری	سید محمد مهدی رضوی پور	ش ۱۲۴/ ص ۱۴-۱۵	۱۳۹۸/۰۵/۳۱
۱۰	کیمیای فناعت در زندگی همسران	علی اکبر مظاهری	ش ۱۳۸/ ص ۵۳-۵۴	۱۴۰۰/۰۳/۳۱

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به حجم زیاد توصیف، تفسیر و تبیین صورت گرفته برای نمونه‌های معرف، در این بخش صرفاً یافته‌های حاصل از هر سه مرحله با توجه به گزاره‌هایی از نمونه‌ها بیان می‌شوند.

الف) جمع‌بندی توصیف نشریه خانه خوبان

۱. معنای محوری

معنای محوری متون خانه خوبان عبارت‌اند از: اهمیت بیشتر فرد (همسر) نسبت به اشیا و دیگر امور نظیر شغل و تحصیلات (مظاهری، ۱۴۰۰)؛ تعیین مرز برای خودمان (حیدری،





۱۳۹۵)؛ خودارزیابی اخلاقی با نگاه از بیرون به خود (عباسی، ۱۳۹۶)؛ بازسازی روابط آسیب‌دیده همسران با تمرکز بر ویژگی‌های اخلاقی خوب همسر (نوری، ۱۳۹۶)؛ وجود فردگرایی همراه با رفتاری به‌ظاهر مسالمت‌آمیز و منطقی در روابط زناشویی، نوعی بی‌اخلاقی غیرمنصفانه (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)؛ انعطاف‌پذیری، مهم‌ترین مهارت برای مهار تعارضات زناشویی (صادقی سرشت، ۱۳۹۷)؛ داشتن روحیه‌ی سپاسگزاری و قدردانی، نگاه‌دارنده‌ی شعله‌ی محبت و چراغ امید در خانواده و تقویت‌کننده‌ی دیگر ویژگی‌های روابط میان همسران (پوریزدی، ۱۳۹۷)؛ حفظ اقتدار شوهر با سرزنش نکردن او، مهم‌ترین اقدام برای کارآمد کردن روابط همسران در خانواده (کاردانی، ۱۳۹۷)؛ صبوری در زندگی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در پیشگیری از مشکلات افراد خانواده و روابط زناشویی و فائق آمدن بر آن‌ها (رضوی پور، ۱۳۹۸)؛ قناعت‌پیشگی، ابزاری برای سعادت‌مندی و احساس خشنودی و خوشبختی در زندگی (مظاهری، ۱۴۰۰).

این موارد را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «با احیای خود اخلاقی، پایبندی به آموزه‌های اخلاق فردی و شناخت دیگران براساس اصول و قواعد اخلاق دینی و به‌طور کلی، ایجاد مرزبندی اخلاقی، به‌خوبی می‌توان خانواده‌ای کارآمد داشت».

۲. واژگان مثبت

واژگان مثبت متون نشریه‌ی خانه‌ی خوبان حول محور «خوب‌بودن، همدلی، خودانگاری، مثبت‌اندیشی، جمع‌گرایی، سازگاری، روابط شیرین و حفظ احترام» انتظام یافته‌اند. اخلاق در اینجا عملاً در حوزه‌ی روابط تعریف شده و ترویج‌گر نوعی خودسازی اخلاقی به‌عنوان یک مبنا برای حفظ روابط با دیگران در خانواده و جامعه است. براساس این واژگان، حفظ احترام، سازگاری، خودانگاری، مثبت‌اندیشی و همدلی، مفهوم «خوب‌بودن» را به‌عنوان یک ارزش ایجاد می‌کند و موجب جمع‌گرایی (با جمع بودن) و تحقق روابط شیرین در زیست خانوادگی می‌شود.



۳. واژگان منفی

واژگان منفی متون نشریه‌خانه خوبان حول محور «تمامیت خواهی، خودخواهی، سلطه جویی، تنوع طلبی، پرخاشگری، هتاکی، بداخلاقی، دست بزن، بی توجهی، شلختگی، خودمحوری، خودفریبی، دیگرفریبی، خام و ناپخته، غرغرو، ناخشنود، سردی روابط، لجاجت، کینه، کم صبری، قهر و کدورت، رقابت‌های جنون آمیز و سیری ناپذیر» نظم یافته‌اند. واژگان منفی مطرح در این متون بر مجموعه‌ای از ریشه‌های غیر اخلاقی تأکید می‌کنند که روابط ناسالم را برای فرد در مواجهه با خانواده و جامعه رقم می‌زنند. البته این واژگان در مواجهه با برخی از مفاهیمی هستند که در کلیت متون نشریه قابل مطالعه و بررسی است. در همین راستا، مفاهیمی همچون تنوع طلبی و سردی روابط در مواجهه با «تعهد اخلاقی»؛ بی توجهی، خودمحوری، تمامیت خواهی، خودخواهی و سلطه جویی در مواجهه با «فردگرایی»؛ شلختگی، خودفریبی، دیگرفریبی، خامی و ناپختگی، لجاجت و کینه، قهر و کدورت در مواجهه با «شخصیت اخلاقی»؛ و در نهایت ناخشنودی، رقابت‌های جنون آمیز و سیری ناپذیری و ناشکیبایی در مواجهه با «روابط اخلاقی» قابل تعریف است.

۴. کنایه

زن، کودک نیست (ممنوعیت نگاه تحقیر آمیز)؛ زن، ابزار نیست (ممنوعیت ابزارانگاری زنان)؛ من آمده‌ام مشکلم را حل کنید، می‌گویید کاغذ به دست شوم (شدت مشکل در خود اخلاقی)؛ گرفتن تفاله‌ای از فرهنگ غرب (طعن به نگاه فمینیستی)؛ دنیا، بهشت نیست (تقویت اخلاق الهی)؛ اگر برای یه آدم غریبه هم کاری انجام بدی، لااقل یه سری تکون می‌ده، یه تشکری می‌کنه، اما همسرم چی؟ مثل تیر چراغ برق، دراز و بی حرکت، کر و کور و لال (شدت نگاه فردگرایانه)؛ قناعت به همسر مهم تر از مسائل اقتصادی و معیشتی است (رضایت از زندگی و خویشتن داری).

۵. استعاره

امروز تفکر مردم بیشتر حسابگرانه است (نگاه غیراخلاقی بنگاهی به روابط)؛ فرورفتن در لاک خودپرستی (وجود حس منفعت‌طلبی)؛ انسان می‌تواند آینه‌ای برای خودش باشد (طرح اخلاق رابطه در نظریه خودآینه‌سان)؛ نگاه دوختن به ویژگی‌های منفی همسر (ارزیابی و قضاوت غیراخلاقی)؛ با پشتوانه منطق بر سر طرف مقابل کوبیدن (استدلال‌ورزی غیراخلاقی)؛ زندگی، برکه‌ای ساکن نیست، بلکه رودی جاری است (تأکید بر گستردگی نگاه اخلاقی در زندگی)؛ پخته و ناپخته (تعیین جایگاه و فهم درست و نادرست از قواعد اخلاقی)؛ تشکر زبانی، نوعی تزریق انرژی مثبت به کانون گرم خانواده (ابزارهای ترویج اخلاق)؛ سپاسگزاری، لباس دورو (وجود طرح‌واره‌های اخلاقی)؛ باید تیغ تیز سرزنشگری را غلاف کنید (حفظ کرامت انسانی)؛ روابط خانوادگی، درست مانند گیاه، به رسیدگی نیاز دارند (رشد اخلاقی)؛ کوره گداخته رقابت‌های جنون‌آسا و سیری‌ناپذیر (فرار از عدالت اخلاقی)؛ مردمان، چونان معادن طلا و نقره هستند (ارزش‌گذاری منطقی اخلاقی).

۶. استناد

استنادات متون نشریه خانه خوبان به قرآن کریم، روایات رسول خدا ﷺ و معصومین (امام علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام جواد علیه السلام)، استفاده از ادبیات رماتیکیک، اشعار (حافظ و خواجه ربیع) و تجربه‌های میدانی (مشاور، گفتارهای مراجعان و مشاهدات میدانی خود و دیگران) بوده است. در نوشتارها تلاش شده مسئله اخلاق با تکیه بر ترکیبی از متون دینی و ادبی ارائه شود. انتخاب ترکیبی، سه سود اساسی داشته است: نخست، دربرگیری مخاطبان با نیازها و علایق مختلف؛ دوم، ارائه تحلیل‌های متنوع براساس متن‌های گوناگون (رعایت اصل بینامتنی برای اقناع مخاطب)؛ سوم، تلفیق آیات، روایات، شعر و تجربه و مشاهدات میدان. نتیجه چنین ترکیبی این است که در طرح مباحث نظری و عملی



اخلاق برای خانواده، گستردگی صورت گرفته است؛ همچنین، نوعی چرخش گفتمانی از «اخلاق مبتنی بر متن» به «اخلاق عمومی بر گرفته از آداب و رسوم» نیز رخ داده است.

۷. مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی مرتبط با کارآمدی خانواده

به دنبال کاربرد توصیف شده فوکو، گفتمان چیزی بیش از زبان در حال استفاده است. گفتمان در این معنا، به یک سیستم فکری اشاره دارد که هم‌زمان ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها، اعمال و مفاهیم را در بر می‌گیرد و به درک ما از خود، جهان و دیگران کمک می‌کند؛ از این رو، تحلیل گفتمان اخلاقی، به‌طور خاص، توجه را به شیوه‌های تفکر و عمل درباره اخلاق معطوف می‌کند. با این نگاه، نقش مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی در این شیوه از تفکر و عمل، بسیار برجسته خواهد بود؛ چون اخلاق، نظامی است که به‌طور غیررسمی بر رفتار ما حاکم می‌شود و از این نظر بر ما و دیگری تأثیر می‌گذارد. در همین راستا، مفاهیم اخلاقی مرتبط با کارآمدی خانواده، با توجه به درکی که از متون نشریه خانه خوبان وجود دارد و می‌تواند در تعیین راه‌حل‌ها نقش داشته باشد، به ترتیب عبارت‌اند از:

پرهیز از شی‌انگاری درباره زن (حیدری، ۱۳۹۵)؛ مسئولیت اخلاقی (صالحی، ۱۳۹۵)؛ مثبت‌اندیشی در زندگی (نوری، ۱۳۹۶)؛ استدلال‌ورزی با رعایت جنبه‌های اخلاقی توجیه‌پذیر (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)، اقتدارپروری (کاردانی، ۱۳۹۷)؛ مطلق‌نبودن رفتارهای منطقی (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)؛ درک نگاه‌های منعطف برای انطباق انتظارات افراد با واقعیت‌های زندگی (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۷)؛ تعهد و التزام (حیدری، ۱۳۹۵)؛ اولویت‌دادن به دیگری (حیدری، ۱۳۹۵)؛ جمع‌گرایی نقطه مقابل فردگرایی خودمحور (پوریزدی، ۱۳۹۷)؛ اصل روابط محترمانه و صراحت در کلام (رضوی‌پور، ۱۳۹۸)؛ ایجاد محدودیت‌های اخلاقی برای خود در زندگی (صالحی، ۱۳۹۵)؛ بی‌قید و شرط دوست داشتن (حیدری، ۱۳۹۵)؛ همدلی و گذشت (مظاهری، ۱۴۰۰)، رضایت و خشنودی





از زندگی (مظاهری، ۱۴۰۰)؛ پذیرش رفتارهای بد شخصی (عباسی، ۱۳۹۶)؛ گفت‌وگوی مبتنی بر احترام (صادقی سرشت، ۱۳۹۷)؛ تغییر و اصلاح رفتارهای زشت در روابط زناشویی (جهان‌گیرزاده، ۱۳۹۶)؛ درک ویژگی‌های خوب اخلاقی دیگری (عباسی، ۱۳۹۶)؛ تلقی اخلاقی از استقلال همسر در روابط زناشویی (صالحی، ۱۳۹۵)؛ درک خواسته‌های همسر (رضوی پور، ۱۳۹۸)؛ تغییر اخلاقی در نگاه‌ها و نگرش‌های فردی (نوری، ۱۳۹۶)؛ تولید ایده‌های گوناگون برای حل مسائل مختلف در زندگی (صادقی سرشت، ۱۳۹۷)؛ اهمیت ارزشیابی و ارزش‌دآوری اخلاقی (عباسی، ۱۳۹۶)؛ احساس هویت اخلاقی (عباسی، ۱۳۹۶)؛ روابط صحیح و تعریف‌شده بین همسران (رضوی پور، ۱۳۹۸)؛ رشد آگاهی اخلاقی (حیدری، ۱۳۹۵).

۸. راه‌حل

راه‌حل‌های ذکر شده در متون نشریه خانه خوبان به شرح زیر است. باید گفت این راه‌حل‌ها لازمه یا پیامد گفتمان اخلاقی (قواعد، فضایل و آرمان‌ها، مهارت‌ها و قضاوت‌های اخلاقی) قلمداد می‌شوند.

۸.۱. راه‌حل‌ها براساس اصول و قواعد اخلاقی

تغییر اولویت‌ها در شیوه زندگی با تغییر فرم آن، تعیین مرزبندی‌های اخلاقی در روابط، پذیرفتن مسئولیت‌های اخلاقی خود در زندگی، تقویت اصل اخلاقی تعهد و پایبندی اخلاقی به زندگی، تقویت اصل اخلاقی سپاسگزاری و احترام متقابل.

۸.۲. راه‌حل‌ها براساس فضایل و آرمان‌های اخلاقی

تقویت احساس همدلی و گذشت، بازی‌سازی رفتارهای بد اخلاقی، آگاهی از تأثیرات بد اخلاقی، پرهیز از تنوع‌طلبی و مقایسه خود، بدن و همسر با دیگران، افزایش آگاهی اخلاقی مرد از زن، حفظ اقتدار مردانه، اجتناب از سرزنشگری، توجه به داشته‌های موجود در زندگی، اقرار به ویژگی‌های خوب اخلاقی دیگری.

۳.۸. راه‌حل‌ها براساس قضاوت و استدلال‌ورزی اخلاقی

استنتاج به شواهد کامل‌تر در ارزیابی‌های اخلاقی، قراردادن خود به جای دیگری در اختلاف‌نظرها، درک درست از مشکلات و ارجاع جزئیات به آن، تمرکز بر استدلال موجه اخلاقی، اتخاذ رویکردی انتقادی در قبال خود، توجه اشتباهات همسر در جمع، توجه به تفاوت‌های ظاهری، فیزیکی و شخصیتی دیگری، پرهیز از تحمیل اندیشه‌های ضد اخلاقی (فمینیستی) بر دیگری.

۴.۸. راه‌حل‌ها براساس مهارت‌های معطوف به اخلاق

مثبت‌اندیشی در روابط، انعطاف‌پذیری در زندگی، دوران‌دیشی در قبال تغییرات احتمالی در زندگی، عبرت‌آموزی و درس گرفتن از گذشته برای زندگی، افزایش قدرت انتخاب در بروز رفتارهای اخلاقی درست، استفاده از موقعیت‌های خاص برای تقویت محبت‌ورزی، تقویت نقاط ضعف و قوت اخلاقی در روابط.

ب) جمع‌بندی تفسیر نشریهٔ خانهٔ خوبان

از بررسی بخش تفسیری در نمونه‌های ده‌گانهٔ متون نشریهٔ خانهٔ خوبان، نکات زیر استخراج شد:

۱. اصلاح نگاه ابزاری و کودکانه به زن در خانواده

زن را نباید به‌عنوان یک شیء و ابزار دید و البته او یک کودک هم نیست. هم‌نگاه کودکانه و هم‌نگاه ابزاری به زن، به سه دلیل، غیراخلاقی است: نخست، ایجادکنندهٔ حس بی‌هویتی در زن است. در واقع، این نگاه موجب تحقیر زن در بستر خانواده می‌شود و تحقیر ذاتاً ویرانگر هویت‌هاست؛ دوم، این نگاه موجب تضعیف روابط در خانواده و البته شکل‌گیری روابط ناسالم و غیراخلاقی در بیرون از ساختار خانواده و به‌طور کلی، حذف





ارزش‌های انسانی و دینی در روابط می‌شود؛ سوم، این تصور به تضعیف یا حذف عدالت اخلاقی در رفتار و مواجهه همسر با دیگر اعضای خانواده منجر می‌شود. منظور از عدالت اخلاقی در اینجا، حفظ احترام متقابل و جایگاه افراد در ساختار خانواده است.

۲. محبت‌ورزی مردان

مردانی که رویکرد غیراخلاقی حسابگرانه به زندگی خانوادگی دارند و یا چیزی یا کسی را جایگزین همسر در زیست زناشویی می‌کنند، عمدتاً نه تنها در مسیر محبت‌ورزی گام بر نمی‌دارند که برعکس، بیشتر از آنکه محبت کنند، انتظار محبت دارند. نتیجه غیراخلاقی روحیه حسابگری و قراردادن امور دیگر به جای همسر، دو چیز است؛ ۱) افول علاقه زن به خانواده و توجیه اخلاقی رفتارهای خود، ۲) تخریب گسترده اخلاقیات و حمله به قواعد اخلاقی حاکم بر روابط انسانی که وجود آنها موجب درک صمیمت‌ها و ایجاد رفتارهای محبت‌آمیز در خانواده می‌شود.

۳. تعیین مرزهای اخلاقی

تعیین مرزهای اخلاقی به دو نسبت بازگشت می‌کند؛ نسبت اول به مرد یا همان شوهر است که اگر قرار است اخلاقی باشد باید محدودیت‌های اخلاقی برای خود ایجاد کند. این محدودیت اخلاقی برای خود موجب آزادی برای زن می‌شود. نسبت دوم به زن یا همان همسر است که براساس آزادی‌ای که برای او ایجاد شده است، به انتخاب‌هایی دست می‌زند که می‌تواند برای او رشد اخلاقی به همراه داشته باشد. با وجود این، عبارت‌هایی همچون «پاسداشت حریم خصوصی»، «ضابطه‌مند بودن» و «وجود بایدها و نبایدها»، سه مبنا برای گفتمان اخلاقی است که کمک می‌کند مرزبندی اخلاقی در نظام اخلاقی حاکم بر روابط بین زن و مرد خودش را نشان دهد و به تقویت این روابط کمک کند؛ به این معنا که باید به حریم خصوصی فرد توجه کرد، قانونمندی را به عنوان یک اصل اخلاقی مهم برای محافظت از این حریم رعایت نمود و در نهایت، این فرایند را واجد بایدها و نبایدها

یا همان قواعد اخلاقی دانست که می‌توانند به ضابطه‌مندی حریم خصوصی زن در روابط زناشویی کمک کنند.

۴. خودانگاری اخلاقی یا نگرستن به خود بر پایه اخلاق در روابط خانوادگی

خودانگاری اخلاقی به‌عنوان یک واژه مثبت بر تمرکز فرد بر خود برای رفع، اصلاح یا حتی پنهان‌کاری در بروز رفتارهای ناشایستی دلالت دارد که مخالف هنجارها، قراردادهای اجتماعی و ارزش‌های مسلط بر جهان اجتماعی است. بدون تردید، بروز این رفتارها بر پذیرفتن یا نپذیرفتن نقش‌های اجتماعی ابتنایافته است؛ ازاین‌رو، رفتارهای ناشایست، بخشی از نقشی است که ما در جامعه ایفا می‌کنیم و هویت ما را به‌عنوان یک شخصیت غیراخلاقی شکل داده، به دیگران نشان می‌دهد. بنابراین، «نقش بازی کردن» به این معناست که فرد، «من» غیراخلاقی خود را به‌صورت نمادین به خود نشان داده و به‌اصطلاح، خودش را در یک موقعیت غیراخلاقی ملموس مشاهده کند. در این صورت، هم «نقش» مهم است (چون متناسب به خود است) و هم «بازی» (چون از سوی خود و در قالب همان نقش توسط فرد ایفا می‌شود). بااین‌حال، آنچه در پس این نقش پدیدار می‌شود، هویتی غیراخلاقی است که وجود ما را در کنار دیگری به چالش می‌کشد.

۵. توجه به ویژگی‌های مثبت اخلاقی در دیگری

شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند موجب تقویت احساسات اخلاقی شود. احساسات اخلاقی می‌تواند به تثبیت هویت فردی در یک زندگی خانوادگی منجر شود و مبنایی برای ورود احساسات متفاوت اخلاقی گردد. در اینجا، دو نکته اساسی دارای اهمیت است: نخست، اخلاقاً باید شناخت ما درباره دیگری براساس مستندات کامل باشد. شواهد ناقص نمی‌تواند گویای هویت ما و هویت دیگری برای ما باشد. اگرچه احساسات اخلاقی به خود اخلاقی مربوط است، اما شواهد ناقص، کارکرد اصلی این احساسات را افول می‌دهد. دوم، نگاه مثبت به کنش‌ها، رفتارها و گفتارهای دیگری که در حقیقت، اصل مثبت‌اندیشی است، به



برساخت ویژگی‌های خوب دیگران در نظام و سیستم درونی کمک می‌کند. در صورتی می‌توان به دیگران نگاه مثبت داشت که ویژگی‌های خوب آن‌ها براساس شواهد کامل (نه ناقص) برای انسان شناخته شده باشد. این گونه تصور درباره دیگران مسیر را برای بروز احساسات اخلاقی نیز فراهم خواهد کرد.

۶. حذف فردگرایی افراطی در خانواده

استفاده از عبارت‌هایی همچون «ابزار بودن عقل در خدمت نفس»، «شبه‌استدلال» و «توجیه رفتار»، معرفی یک فرایند سه‌مرحله‌ای برای درک بهتر و آسان مخاطب از وضعیتی است که فردگرایی می‌تواند در روابط زناشویی داشته باشد. با این حال، فردگرایی به‌طور مطلق ناپسند نیست، بلکه اگر در آن جمود وجود نداشته باشد و فرد تمامی شرایط و اقتضات زندگی را صرفاً بر محور خودش بنا نکند، می‌تواند پایه‌ای بنیادین برای ایجاد فعالیت‌های مؤثر در نظام خانوادگی و جامعه باشد. آنچه در ارتباط با فردگرایی افراطی قابل توجه است، «استدلال‌ورزی ناموجه» برای تحکم بر دیگری است. منظور از استدلال‌ورزی ناموجه، استدلالی است که فرد تلاش می‌کند آنچه به‌عنوان دلیل برای دیگری بیان می‌کند، اخلاقی جلوه دهد. به عبارت دیگر، در استدلال ناموجه، نوعی استدلال غیر اخلاقی جایگزین استدلالی شده که به‌ظاهر (نه حقیقتاً) موجه است.

۷. لزوم تعهد و پایبندی به زندگی خانوادگی

دو نکته اساسی در اینجا قابل تأمل است. نخست اینکه تعهد و پایبندی مردان به یک رابطه بادوام اخلاقی که از نیازهای جدی روحی و روانی زنان ناشی می‌شود، دلالت دارد؛ دوم، مردان به‌واسطه تعهدی که به همسر خویش دارند، تعهدشان در یک مسیر خطی ثابت نیست، بلکه به مجموعه‌ای پایدار از معناها و مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی وابسته است که صورت اصلی نیاز زن یعنی محبت‌دیدن را شکل می‌دهد. این مجموعه پایدار از معناها، به تحقق خطوط



منسجمی از رفتارهایی همچون محبت‌ورزی منجر می‌شود که کانون خانواده را مستحکم‌تر می‌کند. با این حال، تعهدات اخلاقی می‌تواند محرک استفاده از نوعی سیاست‌های خانوادگی باشد که در کاهش نابرابری ناعادلانه در روابط زناشویی نقش مهمی دارند. تعهدات اخلاقی همچنین می‌تواند به نوعی از سیاست‌های خانوادگی منتهی شود که دانسته یا ندانسته تمایزات اخلاقی مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی و رفتاری را در روابط زناشویی تقویت یا تضعیف کند.

۸. لزوم انعطاف‌پذیری در روابط همسران

انعطاف‌پذیری، واژه‌ای صرفاً روان‌شناختی نیست، بلکه یک واژه کاملاً اخلاقی است که می‌تواند بسیاری دیگر از فضیلت‌های اخلاقی را پوشش دهد. واژه دیگری که می‌تواند انعطاف‌پذیری را پوشش دهد، سازگاری است. سازگاری، رسیدن به میزانی از آگاهی اخلاقی است که فرد درباره دیگری به دست آورده و تلاش می‌کند نسبت خود را با کنش‌های او با یک معیار اخلاقی منطبق سازد. گفت‌وگوی مبتنی بر احترام، درک متقابل در تعاملات روزمره و دوراندیشی و عبرت‌آموزی، مسیرهای رسیدن به انعطاف با دیگری است. مبنای این چهار عنصر که پوشش‌دهنده مفهوم انعطاف‌پذیری است، انطباق ابزار و اهداف در تعاملات و کنش‌های متقابل روزمره است. در حقیقت، انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود از ابزارهای اخلاقی استفاده می‌کنند.

منظور از ابزار اخلاقی هر چیزی است که مورد توافق جمعی بوده، از نظر اجتماعی برای مواجهه با دیگری از سوی جامعه تعریف شده و قابل پذیرش حوزه عمومی است. با وجود این، این ابزارهای اخلاقی سه کارکرد اساسی دارند: آگاهی اخلاقی فرد را در مواجهه با دیگران افزایش می‌دهند؛ برداشت‌های او را از آنچه در اطرافش رخ می‌هد، اخلاقی می‌کنند؛ توان تصمیم‌گیری او را در مواجهات مختلف، اخلاقی‌تر می‌کنند و قدرت اخلاقی او را در رفتار با دیگران افزایش می‌دهند.



۹. وجود و تثبیت روحیه سپاسگزاری در بین اعضای خانواده، به ویژه همسران

سپاسگزاری، فضیلتی اخلاقی و شیوه‌ای برای خوب زیستن با دیگران، به خاطر داشته‌هایی است که از جامعه دریافت کرده‌اند. آنچه دیگران به فرد اهدا می‌کنند، پاسخی دارد که در قاب سپاسگزاری و به شیوه قلبی، زبانی و رفتاری رخ می‌نماید. از سوی دیگر، سپاس‌گزاری به لباسی دورو می‌ماند که یک روی آن محبت و روی دیگرش رضایت است. با این حال، سپاسگزاری، به عنوان یک اصل، از لحاظ اخلاقی سه کارکرد اساسی دارد: نخست، سپاسگزاری موجب امتیاز دادن و امتیاز گرفتن است؛ به این معنا که قدردانی موجب می‌شود آنچه از ناحیه دیگری به انسان داده شده است، خود به عنوان یک امتیاز برای ورود دوباره دیگری به کار آید. دوم، سپاس‌گزاری تعاملی دوسویه است که صرفاً یک امر روان‌شناختی نیست، بلکه نشان‌دهنده قدرت نفوذ اخلاق در مواجهات متفاوت با شرایط گوناگون است. نفوذ اخلاق یعنی به کارگیری آن برای ایجاد صلح، آرامش، سازگاری و تغییر نگرش‌ها و مسائلی که می‌تواند خاستگاه بسیاری از آشوب‌های خانوادگی و اجتماعی شود. سوم، سپاس‌گزاری با «رابطه اخلاقی» پیوند اساسی دارد. منظور از رابطه اخلاقی، حضور اصول و قواعد اخلاقی و به کارگیری آن در رابطه است. هرچه رابطه به این اصول پای‌بندتر باشد، احتمال تحقق رابطه در واقعیت اجتماعی بیشتر می‌شود. سپاس‌گزاری می‌تواند تقویت‌کننده رابطه اخلاقی در طبقات و ساختارهای اجتماعی باشد، نقش‌ها را به میزان زیادی اخلاقی کند و نمادهای مستقلی برای افزایش ضریب رابطه بین فرد و ساختار پدید آورد.

۱۰. حفظ و احترام به ویژگی‌های جنسیتی در تعاملات زناشویی

از جمله ویژگی‌های جنسیتی، حس اقتدار در مردان است. منظور از اقتدار، قدرتی مشروع است که جامعه، قانون و اخلاق بر آن صحنه گذارده‌اند. در صورتی که شاکله اصلی شخصیت مردانه، اقتدار باشد، بدون تردید، عاملی همچون سرزنش باعث اقتدارشکنی می‌شود و مسیر روابط بین فردی را در زندگی زناشویی از وضعیت انعطاف خارج و ایجاد



تعارض می‌کند. آنچه در رابطه اخلاق و اقتدار فردی قابل توجه است، لزوم توجه به ویژگی‌های ذاتی جنسیتی است که موجب رشد یا توقف آن‌ها در مسیر می‌شود. بدون تردید، نقش اخلاق و رعایت اصول اخلاقی در این ویژگی‌ها می‌تواند به میزان زیادی، قدرت نفوذ آن‌ها را در روابط بین فردی افزایش دهد. با وجود این، یک دلیل برای حفظ اقتدار مردانه، استدلال بر قوای فیزیکی مرد و توانمندی او در رویارویی با مسائل گوناگون شغلی، اجتماعی، خانوادگی و... است. در حقیقت، تفاوت‌های جنسیتی، ایجادکننده نیازها و خواسته‌های روانی پنهانی نظیر روحیه اقتدارگری است که هرگونه مواجهه سخت با آن می‌تواند نابودکننده بسیاری از مسیرهای رسیدن به اهداف مهم زناشویی باشد. بنابراین، حفظ اقتدار مرد توسط زن می‌تواند موجب افزایش محبوبیت در روابط بین فردی شده و به حل و فصل اخلاقی تعارضات زناشویی و افول آن کمک کند.

۱۱. توجه به لزوم شکیبایی در رابطه اخلاقی

شکیبایی، رکن اساسی در شکل‌گیری روابط اخلاقی بین من و دیگری است. درک خواسته‌های همسر و توسعه درک متقابل در شرایط غیرعادی می‌تواند به شکل‌گیری فضیلت اخلاقی شکیبایی در روابط منجر شود. در واقع، ارتباط صحیح و درک خواسته‌های فردی بر مبنای احترام متقابل، زمینه‌های بروز رابطه درست اخلاقی را در مدار شکیبایی نشان می‌دهد. نتیجه این شکیبایی، حفظ عزت نفس و کشف نمادین آستانه‌ای از تحمل بین فردی در شرایط خاص زندگی است. تحلیل اخلاقی از صبوری، براساس مفاهیمی همچون ارتباط صحیح و بیان محترمانه درخواست‌ها، سه ویژگی اساسی دارد: نخست، صبوری کردن صرفاً یک امر انفعالی نیست؛ به این معنا که برای مخاطب این ابهام ایجاد نمی‌شود که در اینجا صبوری کردن، بد است و زیان آن بیش از سودش می‌باشد. دوم، صبوری یک امر قراردادی نیست، بلکه صبوری محصول «روابط خوب» است. روابط خوب تعیین می‌کند به چه میزان و براساس چه قواعدی می‌توان دیگران را تحمل کرد و از اقدامات شرم‌آور آن‌ها گذشت. سوم، صبر با توجه به موقعیت‌ها درجه‌بندی می‌شود.

منظور، درجه‌بندی صبر به خوب یا بد نیست، بلکه تحلیل ذهنی‌شناختی اتفاقاتی است که انسان‌ها در مواجهه با آن‌ها، میزان صبوری کردن را برای خودشان به‌طور خودآگاه تعریف و مشخص می‌کنند؛ به‌طور مثال، تحلیل درک ذهنی انسان‌ها از جایگاه صبر در مصیبت و ماتم با صبر در فقر و تنگ‌دستی و یا صبر بر همسایه یا شوهر بد، به یک میزان نیست.

۱۲. تمرکز بر توصیف فضایل اخلاقی در قالب نظریه ترکیبی فضایل و نقش آن در روابط اخلاقی

نظریه ترکیبی فضایل این معنا را تبیین می‌کند که فضیلتی را نمی‌توان در سیستم فکری اخلاق تعریف کرد، مگر اینکه از معناهای متضاد از دیگر فضیلت‌ها نیز استفاده نمود؛ به‌طور مثال، رضایت، یکی از برجسته‌ترین فضایل اخلاقی است که خود یکی از نتایج مهم قناعت در زندگی است.

در واقع، قناعت، نوعی راضی‌بودن به شرایط موجود برای تحقق اموری است که انسان به آن‌ها تمایل دارد، اما شرایط موجود اجازه ورود به مراحل بعدی و مسیرهای متفاوت با آنچه در آن قرار دارد، نمی‌دهد.

در اینجا صرفاً نمی‌توان قناعت را به معنای خویش‌داری فرد تعریف کرد، بلکه قناعت می‌تواند به یک معنای اجتماعی ارتقا یابد و وسعت پیدا کند. با وجود این، نظریه ترکیبی فضایل به سه دلیل قابل دفاع است:

نخست، معنای فضایل اخلاقی را هم‌جهت و هم‌وزن با هم توسعه می‌دهد. این توسعه هم در میدان اخلاق و هم در میان‌رشته‌هایی همچون روان‌شناسی اخلاق و جامعه‌شناسی اخلاق کاربرد دارد. دوم، به کشف تفکیک علل درونی و بیرونی فضایل اخلاقی منجر می‌شود؛ به این معنا که در نظریه اخلاق سنتی صرفاً یک عامل را می‌توان خاستگاه بروز یک فضیلت اخلاقی قلمداد کرد، اما در نظریه ترکیبی فضایل اخلاقی، در امتداد فضیلت که به فضیلت‌ها تبدیل می‌شود، یک علت نیز به علل تبدیل می‌شود و دامنه و قلمرو آن وسعت می‌یابد.





در این صورت، پژوهشگر در یک چهارچوب اجباری منسجم باید جنبه‌های مختلف شکل‌گیری یک فضیلت را بررسی و مطالعه کند. سوم، نقش نظریه ترکیبی فضایل اخلاقی در یک گفتمان برآمده از اخلاق، بسیار مؤثر است. در صورتی که چندین فضیلت انعکاس‌دهنده یک معنا باشد، این معنای واحد می‌تواند امر اجتماعی متکثر را از زوایای مختلف تحلیل کند و در صورت‌بندی گفتمان اخلاقی مؤثر افتد.

ج) جمع‌بندی تبیین: صورت‌بندی گفتمان اخلاقی نشریه خانه خوبان

شکل (۲)، نحوه صورت‌بندی گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده را در نشریه خانه خوبان نشان می‌دهد. براساس گفتمان موجود، این نشریه با استفاده از دیدگاه‌های روان‌شناختی اخلاق، ادبیات و شعر و تکیه بر روایات و آیات قرآن کریم، به طرح و تفسیر آن دسته از مفاهیم اخلاقی اشاره می‌کند که در زندگی روزمره همسران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در چهارچوب این گفتمان، نظم اخلاقی در خانواده تقویت و به دنبال آن، هر چیزی که بتواند به این نظم کمک کند، بیان می‌شود.

وسعت این گفتمان به گونه‌ای است که به‌طور خواسته یا ناخواسته ترکیبی از اجزای اصلی در شیوه و نظام فکری اخلاقی را به همراه دارد. به‌طور کلی، گفتمان اخلاقی خانه خوبان یک نظام اخلاقی چهارجزئی دارد. نظام اخلاقی در این گفتمان، مجموعه‌ای از اصول، قواعد، آرمان‌ها و ارزش‌های منسجم، منظم و معقولی است که برای شکل‌گیری دیدگاه کلی فرد درباره آنچه در خانواده باید به‌لحاظ اخلاقی اتفاق بیفتد، به کار گرفته می‌شود.

نتیجه بررسی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی، شکل‌گیری راه‌حلی است که از دو نکته اساسی حکایت دارد: نخست، این صورت‌بندی از گفتمان اخلاقی نشان می‌دهد جنبه فرایندی آن، طولی است نه عرضی.

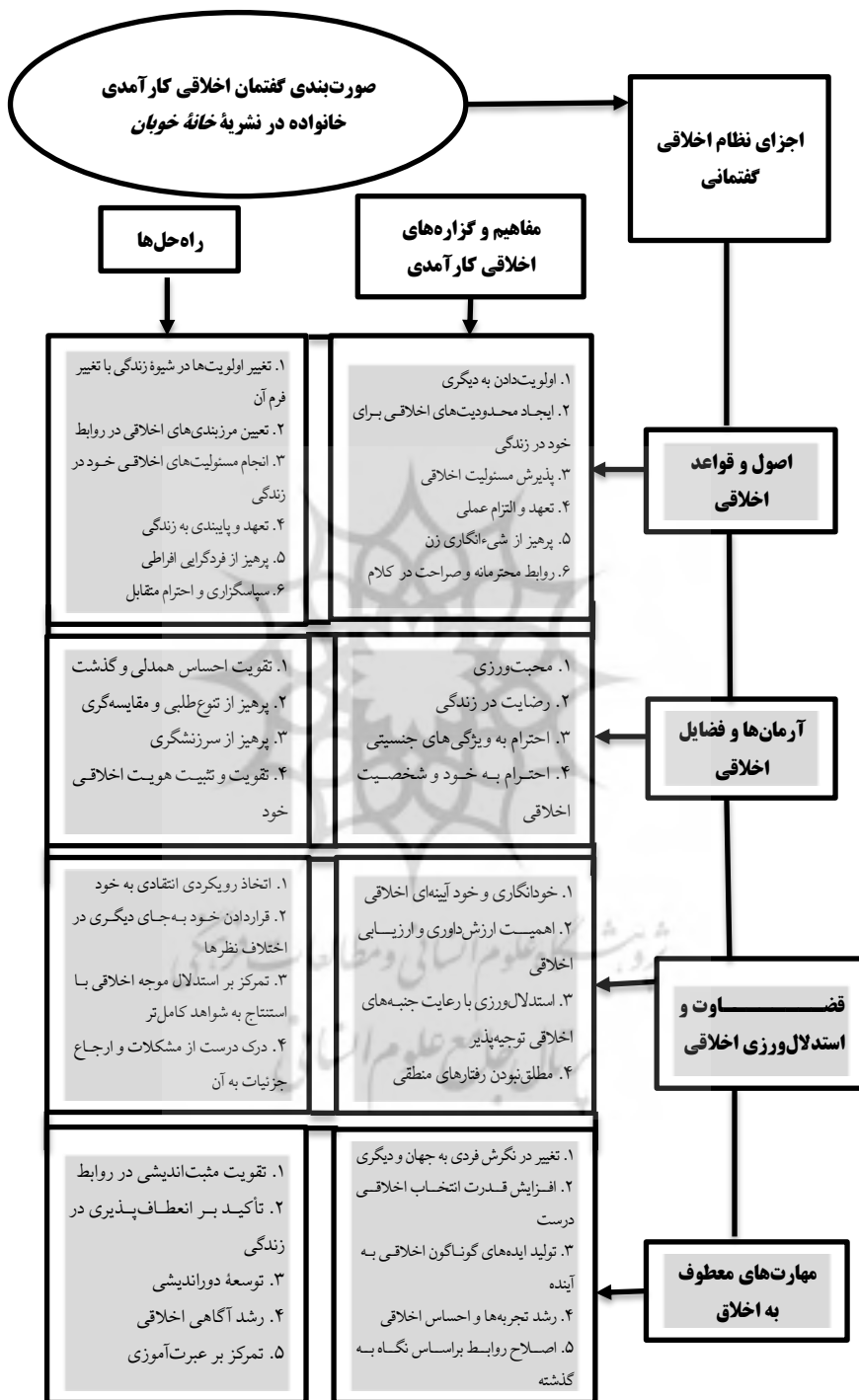
درواقع، نظام اخلاقی، پایه‌ای بنیادین برای شکل‌گیری مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی است و این مفاهیم و گزاره‌ها در شکل‌گیری راه‌حل (مهارت‌ها) به گونه‌ای عمل می‌کند

که اخلاق جزو ضروریات آن محسوب می‌شود، جهان اجتماعی کنشگر را تغییر می‌دهد و نوعی زیست اخلاقی جدید برای او ترسیم می‌کند؛ دوم، صورت‌بندی گفتمان اخلاقی، به دنبال تکمیل آن چیزی است که از مفهوم کارآمدی خانواده یعنی تلاش برای ایفای نقش‌ها و تقویت کارکردهای درون خانواده به دست می‌آید.

به عبارت دیگر، مفهوم کارآمدی، مفهومی عملیاتی است و ارائه مجموعه‌ای از مهارت‌های اخلاقی مفهومی و اقدامی، گفتمان اخلاقی را به حوزه مسئله کارآمدی خانواده نزدیک‌تر می‌کند.



شکل ۲. صورت‌بندی گفتمان اخلاقی کارآمدی خانواده در نشریه خانه خوبان



نتیجه گیری

یادداشت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ در نشریه خانۀ خوبان با موضوع اخلاق انتشار یافته بود، با هدف کشف صورت‌بندی گفتمان اخلاقی حاکم بر آن، مطالعه شد.

در بررسی‌های اولیه ۸۷ نمونه متن که به‌طور مستقیم یا ضمنی به مسئله ارزش‌های اخلاقی اختصاص یافته بودند، استخراج شد. سپس، در یک بررسی هدف‌گذاری شده و تمرکز بر اصل مسئله پژوهش به‌عنوان اصلی‌ترین معیار، در نهایت ده نمونه متن گزینش گردید. داده‌های متنی نیز براساس روش تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شد.

این نشریه با تکیه بر ارزش‌های اخلاقی مذهبی، به‌دنبال معرفی آداب اخلاقی، سلوک اخلاقی، زیست اخلاقی معنوی، شیوه‌های دستیابی به اخلاق ناب، ارائه راه‌حل‌های اخلاقی و... و ترویج آن در میان اعضای خانواده و تقویت روابط همسران است.

تحلیل گفتمان داده‌های اخلاقی مستخرج از متون منتخب در نوزده مفهوم (گزاره) اخلاقی و در قالب چهار جزء اصول و قواعد اخلاقی، آرمان‌ها و فضایل اخلاقی، قضاوت و استدلال‌ورزی اخلاقی و مهارت‌های معطوف به اخلاق، صورت‌بندی گفتمانی شد.

محبت‌ورزی، تعیین مرزهای اخلاقی، پاسداشت حریم خصوصی و ضابطه‌مندی در روابط براساس بایدها و نبایدهای اخلاقی، توجه به خود بر پایه اخلاق، توجه به ویژگی‌های مثبت اخلاقی دیگری، حذف فردگرایی افراطی، لزوم تعهد و پایبندی به زندگی خانوادگی، لزوم انعطاف‌پذیری در روابط همسران، وجود و تثبیت روحیه سپاسگزاری، توجه به لزوم شکیبایی در رابطه اخلاقی، تمرکز بر توصیف فضایل اخلاقی در قالب نظریه ترکیبی فضایل و نقش آن در روابط اخلاقی از جمله راه‌حل‌های اخلاقی مهم برای کارآمدسازی خانواده براساس صورت‌بندی گفتمان اخلاقی در نشریه خانۀ خوبان است.



آنچه در این صورت‌بندی گفتمانی بسیار اهمیت دارد، کسب مهارت‌هایی بر پایه اخلاق است که می‌تواند شتاب بیشتری به فرایند کارآمدی خانواده بدهد. این مهارت‌ها ترکیبی از ابعاد اخلاقی و نظریه‌های روان‌شناختی است و بر پایه روایات مذهبی، قدرت تأثیرگذاری متن را برای اقناع مخاطب افزایش می‌دهد.



کتابنامه

- پوریزدی، رحمت (۱۳۹۷)، «سین مثل سپاس گزاری»، *خانه خوبان*، ش ۱۱۴، ص ۲۶-۲۷.
- جهان گیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۶)، «زن غرغرو، مرد موجه»، *خانه خوبان*، ش ۱۰۶، ص ۲۲-۲۳.
- حیاتی، زهرا (۱۳۹۴)، «تحلیل رابطه گفتمان اخلاقی متن با شیوه بیان در دو اثر غلامحسین ساعدی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۳۷، ص ۱۱۷-۱۴۶.
- حیدری، مجتبی (۱۳۹۵)، «ویژگی های شوهر خوب»، *خانه خوبان*، ش ۸۶، ص ۶۲-۶۳.
- رستگار خالد، امیر، ابوالفضل اقبالی و عاطفه خالقی (۱۳۹۹)، «بازنمایی گفتمان های خانواده در مجلات عامه پسند»، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۲۱، ش ۴۹، ص ۹۳-۱۲۲.
- رشکیانی، مهدی (۱۳۹۰)، «بررسی اثر گذاری رسانه های تصویری بر نهاد خانواده»، *رسانه و خانواده*، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- رضوی پور، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۸)، «رسم خانواده داری»، *خانه خوبان*، ش ۱۲۴، ص ۱۴-۱۵.
- صادقی سرشت، علی (۱۳۹۷)، «کوه کاهی»، *خانه خوبان*، ش ۱۱۱، ص ۲۸-۲۹.
- صالحی، علی محمد (۱۳۹۵)، «لاک خودپرستی»، *خانه خوبان*، ش ۸۷، ص ۵۰-۵۱.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۶)، «خیره به آینه»، *خانه خوبان*، ش ۱۰۰، ص ۶۷-۶۸.
- فرانکفود، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، *روش های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۹۷)، *راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۳۷۷-۱۲۸۷)*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- کاردانی، زهرا (۱۳۹۷)، «سرزنش ها و سرزنش ها»، *خانه خوبان*، ش ۱۱۶، ص ۲۴-۲۵.



مظاهری، علی اکبر (۱۴۰۰)، «کیمیای قناعت در زندگی همسران»، *خانه خوبان*، ش ۱۳۸، ص ۵۳-۵۴.

نوری، نجیب‌الله (۱۳۹۶)، «چه همسر خوبی دارید!»، *خانه خوبان*، ش ۱۰۵، ص ۲۷-۲۸.
همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰)، *درباره معانی و بیان*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: همادز.

Aiken, H. D. (1962). *Reason and Conduct*. New York: Knopf.

Brunkhorst, Hauke; Lafont, Cristina; Kreide, Regina (2017). *Habermas Handbook*. Columbia University Press.

Deiitsch, Karl (1971). "On political theory and political action". *American Political Science Review*, 65(1): 11-27.

Potter, Ralph (1965). *The structure of certain american Christian responses to the nuclear dilemma*. Cambridge, Mass.: Harvard University.

Potter, Ralph (1968). *War and Moral Discourse*. Richmond: John Knox Press.

Potter, Ralph (1972). "The logic of moral argument". pp. 93-114 in Paul Deats (ed.), *Toward a Discipline of Social Ethics*. Boston: Boston University Press.

Rawls, John (1951). "Review of An Examination of The Place of Reason in Ethics by Stephen Toulmin". *Philosophical Review*, 60: 572-580.



References

۱. Abbasi, Mehdi (۲۰۱۷). "Glancing at the Mirror". *Khaneh Khooban*, ۱۰۰: ۶۷-۶۸.
۲. Aiken, H. D. (۱۹۶۲). *Reason and Conduct*. New York: Knopf.
۳. Brunkhorst, Hauke; Lafont, Cristina; Kreide, Regina (۲۰۱۷). *Habermas Handbook*. Columbia University Press.
۴. Deitich, Karl (۱۹۷۱). "On political theory and political action". *American Political Science Review*, ۶۵(۱): ۱۱-۲۷.
۵. Fairclough, Norman (۲۰۱۰). *Critical Discourse Analysis*. translated by the Translators' Group. Tehran: Media Studies and Development Office.
۶. Forghani, Mohammad Mehdi (۲۰۱۸). *The Long Road: A Study of the Evolution of Political Development Discourse in Iran (1998-2008)*. Tehran: Allameh University Press.
۷. Frankford, Chava & Nechmias, David (۲۰۰۲). *Research Methods in the Social Sciences*. translated by Reza Fazel Larijani and Reza Fazeli, Tehran: Soroush.
۸. Hayati, Zahra (۲۰۱۵). "Analysis of the Relationship between the Moral Discourse of the Text and the Style of Expression in Two Works of Gholamhossein Saedi". *Persian Language and Literature Research Quarterly*, ۳۷: ۱۱۷-۱۴۶.
۹. Heydari, Mojtaba (۲۰۱۶). "Characteristics of a Good Husband". *Khaneh Khooban*, ۸۶: ۶۲-۶۳.
۱۰. Homaei, Jalal al-Din (۱۹۹۱). *On Meanings and Expression*. Edited by Mahdokht-Bano Homaei. Tehran: Homazar.
۱۱. Jahangirzadeh, Mohammad Reza (۲۰۱۷). "Grumbling Woman, Just Man". *Khaneh Khooban*, ۱۰۶: ۲۲-۲۳.
۱۲. Kardani, Zahra (۲۰۱۸). "Blames and Blames on Wives". *Khaneh Khooban*, ۱۱۶: ۲۴-۲۵.
۱۳. Mazaheri, Ali Akbar (۱۹۷۱). "The Alchemy of Contentment in the Life of Spouses". *Khaneh Khooban*, ۱۳۸: ۵۳-۵۴.
۱۴. Nouri, Najibollah (۲۰۱۷). "What a Good Wife You Have!". *Khaneh Khooban*, ۱۰۵: ۲۷-۲۸.
۱۵. Potter, Ralph (۱۹۶۵). *The structure of certain american Christian responses to the nuclear dilemma*. Cambridge, Mass.: Harvard University.
۱۶. Potter, Ralph (۱۹۶۸). *War and Moral Discourse*, Richmond: John Knox Press.
۱۷. Potter, Ralph (۱۹۷۲). "The logic of moral argument", pp. ۹۳-۱۱۴ in Paul Deats (ed.), *Toward a Discipline of Social Ethics*. Boston: Boston University Press.
۱۸. Pouryazdi, Rahmat (۲۰۱۸). "S Like in 'Saying Thanks'". *Khaneh Khooban*, ۱۱۴: ۲۶-۲۷.
۱۹. Rashkiani, Mehdi (۲۰۱۱). "Investigating the Impact of Visual Media on the Family Institution". *Media and Family*, ۱: ۱۱۳-۱۳۶.
۲۰. Rastegar Khaled, Amir; Eqali, Abolfazl & Khaleqi, Atefeh (۲۰۱۹). "Representation of Family Discourses in Popular Magazines". *Culture and Communication Studies*, ۲۱(۴۹): ۹۳-۱۲۲.
۲۱. Rawls, John (۱۹۵۱). "Review of An Examination of The Place of Reason in Ethics by Stephen Toulmin". *Philosophical Review*, ۶۰: ۵۷۲-۵۸۰.
۲۲. Razavipour, Seyyed Mohammad Mehdi (۲۰۱۹). "Family Tradition". *Khaneh Khooban*, ۱۲۴: ۱۴-۱۵.
۲۳. Sadeghi, Ali (۲۰۱۸). "The Straw Mountain". *Khaneh Khooban*, ۱۱: ۲۸-۲۹.
۲۴. Salehi, Ali Mohammad (۲۰۱۶). "The Lock of Selfishness". *Khaneh Khooban*, ۸۷: ۵۰-۵۱.